

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه هاهی است

قیمت اعلان سطر
دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعة
بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

یکشنبه ۱۳ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۷ شهریورماه جلالی ۱۳۲۹ و ۲۵ اوت ۱۹۰۷ میلادی

(کاتب)

در چند نمره قبل مجملی از مظلومی اهالی کاشان
نوشتیم و اشاره بقضیه نازم که اینروزها واقع شده نمودیم
این هفته که پست رسید زیاد از پنجاه مکتوب مشتمل
بر شرح واقعه آمد که مطالعه هر یک دل سبک را کباب
میکند مجمل واقعه از این قرار است :
حاجی آقا نظام مجد است که تمام علماء واعیان حتی
حکومت را ذلیل کرده کلبه امر را منحصر بخود نماید
و تا کنون هر کس بر خلاف این مقصد حرکت کرده یا
کشته یا با اسباب چینی خانه اشرا خراب کرده و هزار
مدعی برایش تراشیده هستی اشرا بیاد فنا داده است -
عموم مداخل را منحصر بخود کرده از کاشان خراب
صالی سی چهل هزار تومان دخل میخواهد زیاد از حد
اموال مردم را چه خود وجه کسانش ضبط کرد، اند من جمته
املاک حاجی اوالقاسم و املاک عیال آقا سید محمد علاقه بند
و اراضی زیاد که جزء نظام آباد کرده، املاک ناظم التجار
کردستانی و آقا سید علی لاجوردی و غیره و غیره - میرزا
مهدی نام مدتیست میخواهد بحمايت او آسپانی سرآب سفید
آب بسازد و رعایا مانع اند این ایام طرفین بحکومت متظلم
شده و بمحضر حجه الاسلام آقای ملا حبیب الله رجوع و
بمد الترافع بطلان ادعای میرزا مهدی ثابت و حکم بر رعایا
داده شد بملایه انجمن اتحادیه و انجمن تجار و انجمن
پشت مشهد نیز که هر سه تحت ریاست آقای ملا حبیب الله اند
تصدیق کردند حاجی آقا نظام از این منی متغیر شده که
چرا بر خلاف میل من دیگری حکم داده پس جمعی الواط
جمع کرده و میرزا مهدی و طایفه اش و جمعی رعایا پیش
را دست بهم داده بسر نهر رفته ده دوازده هزار رعایا را

بضرب اداره و کارد چندان مجروح نموده اند که مشرف
بموتند کدخدای سفیدآب را جبرا بخانه برده کارهای
بد که قام را یارای تحریرش نیست نسبت بسد و
سکرده و صبح برخواستن صافی صافی
بخانه حاجی آقا نظام میروند و مشارالیه هم علاوه حمايت
میکند که نخواهم گذارد حکم آقای ملا حبیب الله اجراء
شود انجمن ها و سایر مردم طاعت نیاورده بازارها را
بسته و نه شهرها دور گردانیده مردم از مشاهده این مظلومان
مثل روز عاشورا گریه می کردند تلکرافات متدد کرده
جمعی از آنها بطرف طهران حرکت کرده فرستادند از
وسط راه مراجعت دادند حکومت بیچاره از مقاومت
عاجز رجزاست که حاجی آقا نظام میخواهد و هرچه
لایق خود اوست در حق مجلس و مجلسیان و وکلاء می
گوید راه چاره از هر طرفی مسدود است امروز نیز
بنوسط اداره تلکرافاتی حضور حاجتین علیتین نموده اند
که عینا درج میشود ولی گمان نداریم افاقه از اینهمه
داد و بیداد بحال زار آنها بشود و تکه ارومیه در زیر
فشار عساکر عثمانی و عشایر بان وضع خراب باشد
و اهتمامی نکنند دیگر برای کاشان چه توقع داریم !
تلکرافای از کاشان بطهران نمره ۵۷ مورخه ۱۳ رجب
توسط جبل المتین حضور مبارک حاجتین آیتین مد
ظلمها شما را بمظلومیت ابا عبد الله الحسین دادرسی
از این رعایای فقیر فرسائید مدتی است با عسرت و
پریشانی تلکرافخانه متحصن زخم مضروبین متظلم
پنجهزار و پانصد تومان از تمام مجتهدین حکم دیده داریم
از بیداد رسی قریب بقم آمدم ما را مراجعت دادند بامر
مستبد بزرگ استشهادی بر برات ذمه خود نوشته توسط

گماشتگان مجبورا بهر میرساند اهالی قدرت نمودند دارند
 همارا بصدیق طاهره صدق مطالب را محرمانه از عموم اهالی
 حتی کبر و یهود تحقیق فرمائید و تا کنون میرزا
 مهدی ضارب و کسانش در خانه حاجی آقا قلام متحصن
 مستدعی آمان مجروحین را بظهران برسانیم صدق عرایض
 را معلوم داریم عجب انجا است که علاوه حمایت میکند
 و تلکراف بر برائت ذمه جعل مینماید رعایای سفیداب
 آقا رمضان علی علی ابراهیم محمود هاشم علیرضا محمد
 قاسم قاسم

(لایحه شهری)

از وقتیکه مذاکره توفیق روزنامه شریفه بمیان
 آمد چند روز هم عموم ادارات جرائد تعطیل فرمودند
 پس از استیذان روزنامه گویا قام مدیر باتدبیر حبل المتین
 در صداقت گوئی و اجراء کلمه حق سر بشکست تمام
 مذاکرات بکلی تغییر بهم رساند همه روزه انتظار این
 بود که شاید فردارا بمسلك سابق انشاء فرمائید خبری
 نشد تا اینکه نمره ۸۸ حبل المتین را ملاحظه کردم بکلی
 اسباب عبرت این بنده شد سبحان الله چه روی داده
 است که این طور در مسلك و مشرب روزنامه مقدس
 تغییر یافته است مخصوص از بعضی دوستان جانی خودم
 که اول هوا خواه مشروطیت هستند و ارادت کاملی
 بروزنامه حبل المتین داشتند نظهارات توهین آمیز نسبت
 بروزنامه مقدس شنیدم خیلی ملول و اسرده خاطر شدم
 میفتمد نمی دانم آن یا ک هائی که علات شیرخورشید
 داشت و برای حضرت مستطاب آقای ماک المتکلمین
 فرستاده بودند حضرت مقام له قبول نفرمودند شاید اداره
 مقدس قبول کردند و تغییر مسلك دادند ولی عقیده بنده
 برعکس بود خدمت دوستان خودم اینطور بعرض رساندم
 که این شخص که مدیر یومیه است وطن پرست و دامن او
 از لوث رشوه بک و مزه است دست پرورده حضرت
 مستطاب مؤید الاسلام است ۱۳ سال تمام ملت پروری و
 حق گوئی کرده است خودش چندین ماه بواسطه حق
 گوئی و داد مشروطیت توفیق بوده است دبیر محترمش
 چندین وقت بواسطه خدمت بملت در گوشه محبس اردبیل
 زندگانی کرده است چطور میتوان این نسبت هارا به انها
 داد جواب می گویند چون نوشته شهر کارتج را نباید
 خراب کرد و مقصودش این است که نباید کلت وزراء
 تقصیر کار هستند هر کس میگوید تقصیر با دو لیتالست
 باید جواب مسکتی داشته باشد چه جواب مسکت و دلیل
 واضح تر از این است کسی که ورور نفوس برای الین نظاره
 میکنند از وقتیکه فلانی وارد این مملکت شده است تمام
 احرا خدات و ایالات در تزلزل است آن بان هم اختلال و

اسلاب در تزیاید است و در هر ممالکی هر انقلابی بواسطه
 مشروطیت رو میدهد در مبدأ است در عهد مشیرالدوله
 که ابتدا مشروطیت بود چرا این انقلابات فوق العاده
 که صبر و تحمل سی کرور ملت فلك زده را قطع
 کرده رو نمی داد چه اسم روی این کار می گذارید
 اگر میگوئید بصیرت مشیرالدوله در امورات مملکتی
 زیادت از سایرین بود پس اجتناب دیگران چه معنی داشت
 اگر عقیده شما هم مثل ولاء محترم مجلس بر این است
 که امین الساطان از امور مملکتی بصیرتر و از علم سیاسی
 باخبر تر است پس این انقلاب چه چیز است که درین چند
 ماهه درین مملکت روی داده است البته عقیده صحیحه
 ما این است که باید شهر کارتج را خراب کرده و . . .
 راهم سوزاند جواب عرض کردم مگر این مذاکراتی که
 شما می کنید خود روزنامه نوشته است و عموم ایران هم
 شهادت بقول بنده میدهند بد بختانه کسی شنیده سهل
 است بلکه ایرادات هم کرده اند که چرا این نوع
 مذاکرات نسبت باین شخص میدهند محض عنوان بعضی
 از مردم چند نمره را بکوتاهی پرداخته است جواب میگویند
 اولاً ایرادی که بمعزی الیه وارد است این است که اعتراض
 دیگران را نسبت بخود نباید ترجیح برافع عمومی بدهد
 چرا که وظیفه روزنامه نگار این است که باید مطالب صحیح
 و حقه همیشه اعلان و اظهار نماید هر کس خودش نماید
 نباید عرض کردم عزیزم آخر در بعضی موارد ملاحظه
 در کار است بعضی از ما عقیده شان این است که در اول
 مشروطه در مملکت باید کمتر صحبت راست و صحیح
 گفته شود شاید تولید بعضی اشکالات شود که مضر حال
 مملکت و ملت است جواب میگوید عذر و سهانه لازم نیست
 بیاورید اگر چنین است آن بکه تاز عرصه دوران حضرت
 مؤید الاسلام ۱۳ سال است اوقاتی که ابتدا نه اسمی از مشروطیت
 بود و نه رسمی فریاد مشروطیت میزد و مردم را از ورطه
 جهالت دلات بلم و مشروطیت میکرد تا کار را باینجا
 رساند بپروژه نمره ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴
 پنج ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰
 بعضی نکات و دستور العملها بولاء ملت مرقوم فرموده
 بود که انسان مات و بیسوت می ماند اگر میگوئید بواسطه
 توفیق روزنامه تغییر مسلك داده است انهم دروغ است
 اولاً در مملکت مشروطه کسی نمیتواند روزنامه را
 توفیق نماید و اگر باین ملاحظه کوتاه آورده بیجا است
 چرا که در زمان استبداد چهارده سال تمام حبل المتین
 کاکتبه بقول عوام هاهفته هشت روز توفیق بود باین حال آنرا از
 حق گوئی غلت نفرمودند چه شده است که امروز روزنامه یومیه
 بیست و نه کرور و نصفی هرا خواه دارد باینکوی خالی

مستبدین باید از میدان دررود چرا باید شهر کارتج خراب نشود (همدان) که اول انجمن و مشروطه ترین شهر های تمام ایران بود چه شده است که آن هنگامه هده هیراز چرا اینطور شده خلخال چرا اینطور هده قزوین ورعت چه خبر است از تبریز چرا کسی نمی پرسد تمام سرحدات چرا منقلب شده است ما از کسی خوی و وحشت نداریم و علی الرؤس الاشهاد عرضه میداریم اگر شش ماه اینطور باشد استقلال ایران و ایرانیان را وداع خواهد کرد امضاء غفار

(حبل المتین)

سبحان الله! ما را چه کناه است مسکوتی یکی از دانایان داده و مانیز باصرار ایشان درج کردیم و مکرر هم گفته ایم لازم نیست هرچه نوشته میشود مطابق عقیده و رای خود مدیر و دبیر باشد مسلک ما ابدا تغییر نکرده و نخواهد کرد بزخاری دنیه فریفته نمیشویم گول مستبدین را نمیخوریم ترس از کسی نداریم از کشته شدن و طرد و تبعید و حبس و زجر بک نداریم و لهجه خود را بر نمیگردانیم از توقیف و تعطیل مسلک و وطن پرستانه را احتراز نمیکیم و همواره در مواقع شدائد و مصائب این بیت را تکرار میکنیم :

(مرد باید که در شدائد دهر)

(سنک زیرین آسیا باشد)
و هرگز متوقع نبودیم برادران وطن بعد از تجربه و امتحانات زیاد در سالیان دراز باز شبیه بخاطر خطور داده بخالیات و اهیه قاب مارا که از فشار اعداء و صدمات ادقیاء چون شیشه است بسنک بیلطای و کج خیالی بشکنند و اعصاب ما را سست نمایند ای کاش یکدو روزی با ما بودند و مشاهده حالات ما را کرده اندکی بر ایچار کمی ما رقت مینمودند هیچ روزی نیست که جمعی از هوا خواهان قوی کاذبه و استبداد مشغوم بر ما ورود نکنند و با لسنه نرم و خشن و لهجه حداد و ملایم ما را طعنه نزنند و ملامت نکنند و به انواع حبل مارا از قصد خود منصرف کردن نخواهند یکی بنام پول دیگری با اسم زور ثالثی بمصلحت بینی رایبی بمال اندیشی یکی بنام وطن دیگری بجهت و فحش این یک نصیحت میکند و اینک وعده میدهد — جای تامل نیست حشرات فراوان مثل مور و ماخ ریخته و بهر طرفی توجه کنند عالیها ساها سازند کسانیرا که شما چنین و چنان میدانستید دیدید بیک توجه مستبدین از میدان در رفتند و با حریف نرد معاشقت و ملازمت باختند این قوم بانواع لباسها در آید و بانام حبل متمسک شوند و یکی نیست که فریزند حقه نمائند

که نزنند ما را از سوراخ حرف بیرون آورند و یلنک را بچرب زبانی رام و مطیع سازند - مصدوقه (وهم من کل حزب یفساون) کشته و بهر طرفی دست انداختند و مکتوبات خود را در هزار پرده وطن خواهی و ملت دوستی نهفته اند باینحال تا کنون بفضل خدا و توجه ائمه هدی از صراط المستقیم حق گوئی و نوع خواهی و ملت پرستی سر مونی انحراف نجسته و بیاطل مایل شده ایم خوب است بدهد نیز هر وقت خطائی از ما مشاهده فرمودند بزودی مسبوقمان سازند که آدمی - این الزم است - این کلاه را هم بگویم و حرف را تمام کنم : بر ملت لازم است مراقبت نمایند روزنامه نویسها ، ناطقین ، و کلاء و وزراء را مراقب باشند و از هر کس اندک انحراف و اعوجاجی دیدند اول بخودش اظهار کرده متنبه و ملتفتش سازند اگر قبول کرد فیما و الا بسختی در صد بر آید و مانع از اجراء مقاصد غیر صحیحه کشته مجبور بردستی کند غلب ما مردم پول را دوست داریم و با اختیار خود دست ازو بر نمیداریم باید پای مجبورت و ملاحظه در کار باشد و هر کس را یقین حاصل شود که بجزئی خلافی ملت از او مکرر شده ملامت خواهند نمود تا لاپد شده جاده صحت و درستی را پیش گیرد و الا هر مشروطه طلب سفتی همینکه زمام کار بدستش آمد و با اختیار خود شد همرا مستبد میشود

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(پنجشنبه ۱۲ شهر رجب المرجب)

بعد از قرائت و تصحیح چند ماده از تقاضنامه وزارت داخله دستخط مبارک همیونی در جواب لایحه که از مجلس مقدس تقدیم حضور مبارک شده بود قرائت کردید که حاوی بود بر پذیرفتن آن لایحه و و کلاء محترم در پیشگاه همیونی و از اینکه بر سبیل تذکار نوشته بودند بعضی از مخصوصین و نزدیکان را بر عموم رعیت ترجیح و عرایض آنها را بلا تحقیق قبول می نمایند این مطلب خیالست فاحش زیرا که رعایا بمنزله اولاد ما میباشد و هر راعی محتاج بر رعیت است عمارت و آبادانی مملکت از آنهاست البته رعیت در نزد ما عزیز تر از همه کس میباشد و از آن زمانیکه پدر تاجدار مقرر ما البسه الله حاصل النور اعطاء مشروطیت فرمودند ا کمال نواص انرا ما بمیل و طبیعت خاطر نمودیم و خواستیم که مملکت ما مثل سایر ممالک ترقی کند پس باید با این عزم ما و کلاء و وزراء همدست و متفق شده در رفع موانع و پیشرفت امور کمال جد و جهد را بنمایند اگر تا حال کار از یک دست میکشند حال با دو دست خواهد گذشت و همواره حسن نیت ما در رفهیت

عانه و ترقی ظهور بوده آقا میرزا سید در خلوت با مجلس در سر بریدند که عمل واقع است با قانون داغته یا جها وقت از دست پدر مرا کشته و آن شخص بعمل نیامد را گرفته تو شد که رسا قانون بوده تنگراه آقا نورالله بامدن حضور که قصدایشان داشته باشیم مجازات اعتد بدانیم در چند روزام شد و قرار کابینه ضمانت بروند والا دولایه رفع و دفع مقدسه که در این باب خودشان روزنامه نماید ولی بلکه بتمام جلوگیری طرف ایشان علوم اطلاع میگوید از امر راجع هد بوزیر

عامه و ترقی مملکت و استحکام بنای مشروطیت در مقام ظهور بوده و خواهد بود پس از قرائت دستخط آقای آقا میرزا سید محمد مجتهد اظهار داشتند که پادشاه مرام در خلوت خواسته بود و خیلی اظهار همراهی و مساعدت با مجلس فرمودند بطوریکه من اطمینان پیدا کردم

در خصوص آن شخص قائل که چند روز قبل سربریدند گفته شد که چرا بی محاکمه و استنطاق این عمل واقع شد گذشته از اینکه مخالف با قانون مشروطیت است با قانون شریعت هم موافق نیست شاید محرک و سبب داعته یا جهات دیگر در بین بوده علاوه بر این پیش از وقت از دست شخص مقول عارض و مدعی بوده که او پدر مرا کشته چرا در این مدت بعرض اورسیدگی نشده و آن شخص متهم را در محکمه جلب نکرده تحقیقات بعمل نیامد ولی از اینطرف بمحض اتهام علیرضاخان را گرفته توفیق کردند مذاکرات زیاد شد بالاخره قرار شد که رسماً بوزرا پروتست نمایند که این وقعه مخالف قانون بوده معذرت خواسته بدها ملقب باشند

تنگرانی از عموم اهالی اصفهان و از جناب حاجی آقا نورالله مجتهد قرائت شد که مجلس مقدس رای داد بامدن حضرت والا ظل السلطان باصفهان اگر چه میدانیم که قصد ایشان سرکشی املاک است ولی چه قانون مالمینان داشته باشیم از اموال و نفوس و اعراض خودمان و بکدام مجازات اعتماد داشته باشیم که آرا مانع از اقدامات بدانیم در حالیکه هنوز حرکت نکرده چند قل شده و باز ارا چند روز است که بسته است مذاکرات در این باب زیاد شد و قرار شد که بوزارت داخله رجوع شود اگر هیئت کابینه ضمانت میکنند از اینکه برفتن شاهزاده اغتشاشی نشود بروند والا نروند

دولایه از انجمن اتحادیه اصنافی قرائت شد در رفع و دفع اوراق باطله و صحایب مضله اشخاص زاویه مقدسه که آنچه اسرار کردیم و میکنیم مجلس و وزرا در این باب اقدامی نمیکند آخر ناچاراً و بی اختیار ملت خودشان اقدام خواهند کرد و اینکه وزارت علوم اگر روزنامه سهوی یا لغزش نمود به جبل امر توفیق آن می نماید ولی این اوراق که نسبت باهل شرع و عربیت بلکه بتمام مات هر چه نباید بنویسد می نویسد هیچ جلوگیری نمی نمایند معلوم میشود که از خندق بان طرف ایشان وزیر علوم نیستند گفته شد که از وزارت علوم اطلاع است قوه قهریه از حکومت است حالیکه میگوید از عهده من خارج و وزیر داخله هم میگوید این امر راجع بملامه و آفایان است بعد از مباحثات زیاد قرار شد بوزیر داخله بنویسند هر طوریکه صلاح میداند رفع

این غائله را بنماید در باب خلاصجات مذاکرات در جمعی برای اقبال الدوله میخواستند و جمعی رای بصدق الدوله و نصرة الممالک میدادند بعضی صلاح بکمیانی دانستند آخر الامر بی نتیجه ماند (مجلس ختم شد)

(مکتوب از مشهد)

(خدایا زین معما پرده بردار)

ای ایرانیان باهمت وای پرورش یافتگان باغیرت دور بین بصیرت را بیچشم حقیقت بنهد تا خطرات خانه ولایت خود را مشاهده نمائید که بحقیقت ملیت سو کند اگر رفع و دفع مخربین را نکند تا روز قیامت ذلیل خواهید بود نمره هفتاد حبل المتین را بدقت ملاحظه نمائید تا بفهمید که تنها بر سر او خک مذلت نیست بلکه نه بر مرده بر زنده باید کریست یک فکته بصاحب دلان عرضه میدارم و آن این است که امروزه از همه جهت در علم دولت فحیمه انگلیس معظم ترین تمام دولت است و همان رسوخی که روسها بر ایران دارند افزونتر آنها دارند پس چه شد که بسفارتخانه او در کرمان شاه شلیک کردند و ابدانسی برای معذرت از طرف وزارت داخله نرفت و از آنها دلجوئی احدی نکرد و وجه آوردن ملک انبجار بی شرفی که بحکم همایونی و تصویب مجلس مقدس بود باید حضرت اشرف وزیر عدلیه بالباس تمام رسم بسفارتخانه رفته و معذرت بخواد یارب زیر این کاسه چه نیم کاسه است خدایا تا کی باید ایران در دست وطن فروغان و محکوم بحکم خائنان باشد ای علماء اعلام وای وکلاء با احترام شمارا به شرف انسانیت و بحقیقت شریعت سوگند میدهم که بزودی علاج این دوات مریض را بنمائید و دوست بادشمن امین باخائن را تشخیص بدهید و کردن ایرانیان از زیر فلان نفوذ روس بر آورید که این طور ست گرفتن و مماطله کردن عاقبت وخیمی از برای تمام ایرانیان عموماً و از برای حجج الاسلام خصوصاً دارد چهارده سال است که مدیر حبل المتین داد میزند و فریاد میکند و دوست و دشمن را بشماها می شناساند و ابد شماها در خیال کنج کاری بر نیامده اید آخر همتی نمائید و غیرتی ورزید و معمارا حل کنید و علاج براء الساعه از برای ملت و مملکت مریض خود بفرمائید بخدا قسم که دیگر جان بر لب رسیده است بر کشتن روح ویر آمدن امروزه بسته بتدبیر سر انگشت شما است خود دانید کوش می دهید بدهید می شنوید بشنوید نمی شنوید هم نشنوید از مدیران جراید و وطن پرستان کلفتی است چونکه هر کسی را بهر کاری ساختند و از شماها عمل کردن

(امضاء محفوظ)

(حسن الحسینی الکاشانی)